تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۰۸
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۴
(ص۶۵-۹۰)

# شناسه در زبان‌های «تاتی»، «هرزنی» و «تالشی»

همانـدوست سبزعلیپور *

## چکیده

به ارتباط زبان‌های **تاتی**، **هرزنی** و **تالشی** با یکدیگر در دهه‌های گذشته اشاراتی شده است، اما دربارهٔ **هرزنی** و دیگر زبان‌های ایرانی منطقهٔ **آذربایجان**، هنوز حرف‌های ناگفتهٔ بسیاری وجود دارد. نگارنده در این مقاله کوشیده است که برای پیگیری ارتباط این سه زبان با یکدیگر، به مقایسهٔ شناسه‌های آنها بپردازد. شناسه که به‌عنوان وندی دستوری، شخص و شمار فعل را مشخص می‌کند از آغاز در زبان‌های ایرانی تنوّع داشته است. زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو نیز از چند دسته شناسه استفاده می‌کنند. شناخت شناسه‌های خاص هر فعل، علاوه بر شناخت دقیق فعل‌های آن زبان و توصیف آن، به شناخت آن زبان از منظر رده‌شناسی زبانی و مطالعهٔ خاستگاه و مراحل مختلف تغییر آن زبان کمک فراوانی می‌کند. آنچه در این مقاله می‌آید بررسی شناسه‌های فعلی در زبان‌های **تاتی** (گونهٔ‌های دِروی و کَجَلی، کَلاسوری، شالی، اشتهاردی)، **تالشی** (گونه‌های پَرَسَری و سیاه‌مَزگی) و **هرزنی** است به‌قصد مشخص کردن بهتر روابط این سه زبان با هم و با دیگر زبان‌های ایرانی. این پژوهش نشان می‌دهد که برخی از ویژگی‌های شناسه‌های باستان و میانه هنوز در زبان‌های دورهٔ نو یافت می‌شود و بعضی نیز در طول زمان دستخوش تحوّل شده است. از طرف دیگر، در

*دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت sabzalipour@gmail.com

همهٔ گونه‌های بررسی‌شده دسته‌های مختلفی از شناسه به کار می‌رود و میان فعل‌های ماضیِ متعدّی و لازم تمایز وجود دارد. ضمایر متصل غیرفاعلی نیز در تعدادی از این زبان‌ها در حال تبدیل شدن به شناسه است.

**کلید واژه‌ها:** شناسه، ضمایر پی‌بستی، تاتی، هرزنی، تالشی

## ۱- مقدّمه

**شناسه**، وندی دستوری است که به فعل متصّل می‌شود و شخص و شمار آن را مشخص می‌کند. در بعضی از زبان‌ها، مانند فارسی، عربی و آلمانی شناسه وجود دارد؛ ولی زبان‌هایی همچون انگلیسی فاقد شناسه‌اند. در زبان‌های دارای شناسه، شکل و نوع شناسه با هم تفاوت دارد. در زبان‌های ایرانی تنوّع شناسه از آغاز تاکنون وجود داشته است. در **اوستایی**، شناسه‌های **اوّلیه**- با داشتن دو شکل گذرا و ناگذر- برای ساخت زمان‌های حال و آینده؛ شناسه‌های **ثانویه** برای ساخت زمان گذشته؛ و شناسه‌های **امری** و **نقلی** نیز برای ساخت امری و نقلی به کار می‌روند (Jackson, 2004: 127-130). در زبان **فارسی باستان**، شناسه‌ها به دو دستهٔ **گذرا** و **ناگذر** تقسیم می‌شوند و هر گروه نیز دارای شناسهٔ **اوّلیه**، **ثانویه** و **امری** هستند (Kent, 1953: 74). به‌نوعی می‌توان گفت که زبان‌های ایرانی از آن دسته زبان‌هایی هستند که در آنها شناسه به فعل می‌پیوندد و از نظر تعداد شناسه نیز پُرشناسه محسوب می‌شوند.

زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو نیز همانند زبان‌های ایرانی دورهٔ باستان از چند دسته شناسه استفاده می‌کنند؛ به‌عنوانِ‌مثال در زبان فارسی یک دسته شناسه برای افعال ماضی و یک دسته شناسه برای فعل‌های مضارع به کار می‌رود و این در حالی است که شناسهٔ ماضی نقلی نیز با هیچ یک از این دو دسته (دستِ‌کم در سوم‌شخص مفرد) یکسان نیست و می‌توان آن را نیز یک شناسهٔ خاص فرض کرد.

شناخت شناسه‌های خاص هر فعل، علاوه بر شناخت دقیق فعل‌های آن زبان و توصیف آن، به شناخت آن زبان از منظر رده‌شناسی زبانی و طبقه‌بندی آن، برای مطالعهٔ خاستگاه و مراحل مختلف تغییر آن زبان کمک فراوانی می‌کند. ازآنجاکه فعل از بخش‌های اصلی هر زبان است، شناخت دقیق فعل به شناخت اجزای دیگر آن زبان نیز کمک می‌کند و برای مطالعه و بررسی فعل، بررسی شناسه بسیار ضروری است. یکی از عواملی که می‌تواند خطّ سیر تغییرات گویش‌های ایرانی را

برای ما به‌خوبی ترسیم کند، تغییرات شناسه‌هاست. گرچه در برخی از پژوهش‌های انجام شده دربارهٔ زبان‌ها و گویش‌های ایرانی به پی‌بست‌های ضمیری در ساخت ارگتیو توجّه شده (برای نمونه، نک : رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۴؛ همو/ سبزعلیپور، ۱۳۸۶؛ راسخ مهند، ۱۳۸۸)، اما مبحث شناسه‌ها در زبان‌های ایرانی نو و گویش‌ها کمتر مورد بررسی قرارگرفته است.

در این پژوهش،شناسه‌های فعلی در زبان‌های **تاتی**، **تالشی** و **هرزنی**، به‌قصد مشخص کردن هرچه بهتر روابط این سه زبان با هم و با دیگر زبان‌های ایرانی، بررسی و دستاورد پژوهش در چند بخش اصلی تنظیم شده است: الف) شناسه‌های فعلی در ایرانی دورهٔ باستان (اوستایی و فارسی باستان)؛ ب) شناسه‌های فعلی دورهٔ میانه (پارتی و پهلوی)؛ ج) شناسه‌های فعلی دورهٔ نو (تاتی، هرزنی و تالشی)؛ د) مقایسهٔ شناسه‌ها در دوره‌های مختلف؛ هـ) ضمایر شخصی در گویش‌های تاتی، هرزنی و تالشی.

شایان ذکر است که در این مقاله، شناسه‌های فعلی پنج گونهٔ **تاتی**؛ یعنی **دِروی** (*Dəravī*) و **کجلی** (*Kajalī*)، هر دو از روستاهای اطراف خلخال؛ **شالی** (*Šālī*) و **اشتهاردی** (*Eštehārdī*) از گونه‌های اطراف قزوین؛ و **کلاسوری** (*Kalāsūri*)، روستایی در اطراف کلیبر تبریز؛ دو گونهٔ **تالشی**؛ یعنی **پرسری** (*Parasarī*) از توابع شهرستان رضوان‌شهر و **سیاه‌مزگی** (*Sīyāhmazgī*)، روستایی در بخش احمدسَرگوراب شهرستان **شفت**؛ و سرانجام یک گونهٔ **هرزنی** (*Harzanī*)، از گونه‌های زبانی روستای گلین‌قیهٔ مرند، انتخاب و بررسی شده‌اند. موّاد زبانی تاتی خلخال و تالشی از داده‌هایی است که نگارنده (سبزعلیپور، ۱۳۸۸) در رسالهٔ دکتری خود به‌طور میدانی گرد آورده است، موّاد زبانی تاتی کلاسور نیز، از دو مقالهٔ اصغری (۱۳۸۵ و ۱۳۸۷؛ برای نقد این دو مقاله، نک : سبزعلیپور، ۱۳۹۰)، داده‌های زبانی تاتی اطراف قزوین از یارشاطر (1969) و سرانجام موّاد زبانی هرزنی از مرتضوی (۱۳۴۱ و ۱۳۴۲) انتخاب شده است.

دربارهٔ ارتباط زبان تاتی، هرزنی و تالشی، نخست، کسروی (۱۳۷۸)، بعدها هنینگ (۱۳۷۴: ۵۸ و ۶۹)، مرتضوی (۱۳۴۱و۱۳۳۳)، و یارشاطر (۱۳۳۶: ۳۶- ۳۷) نظر داده‌اند که در زیر فقط نظر هنینگ و مرتضوی ذکر می‌شود:

> اینک باید مسئله ارتباط هرزنی با دیگر زبان‌های ایرانی گروه شمال‌غربی را در نظر بگیریم؛ مسلم است – و این نکته را پیش از این امیل بائر نیز متذکّر شده است – که گویش هرزنی با زبان تالشی ارتباط نزدیکی دارد (هنینگ، ۱۳۷۴: ۶۹).

امّا مرتضوی که خود در زمینهٔ این زبان تحقیق کرده، معتقد است:

> مدارک قابل توجّه تاریخی و ملاحظات زبان‌شناسی حکم می‌کند که زبان هرزنی از روزگار باستان در همین سرزمین از آذربایجان رایج بوده است و مردم این سرزمین از دیرباز به همین زبان سخن می‌گفته‌اند، و قول گروهی که معتقدند گویندگان این زبان در دویست سال پیش، از سرزمین طوالش به این سرزمین کوچیده‌اند و هنوز در برخی از روستاهای آن سامان به زبانی که جز اندک اختلافی با زبان هرزنی ندارد، سخن گفته می‌شود، معتبر به نظر نمی‌آید و اندک تشابه بین دو لهجه که هر دو از لهجه‌های ایرانی هستند، به‌تنهایی کافی برای تصور وحدت دو لهجه نمی‌تواند باشد (مرتضوی، ۱۳۳۳: ۳۰۵).

## ۲- پیشنهٔ بحث

دربارهٔ زبان هرزنی، منوچهر مرتضوی در دو مقالهٔ «فعل در زبان هرزنی» (۱۳۴۱ و۱۳۴۲) و «نکته‌ای چند از زبان هرزنی» (۱۳۳۳) نکات بسیار مفیدی ارائه کرده است. احمد اصغری در دو مقالهٔ «فعل در گویش تاتی کلاسور» (۱۳۸۵) و «اسم و ضمیر در گویش تاتی کلاسور» (۱۳۸۷) به توصیف مختصر تاتی کلاسور پرداخته است. رضایتی کیشه‌خاله (۱۳۸۶) در کتاب *زبان تالشی*، توصیفی از زبان تالشی مرکزی عرضه کرده و یارشاطر هم در *دستور زبان گویش‌های تاتی جنوبی* (1969) و *گویش تاتی شاهرود خلخال* (1960) به بررسی گونه‌های تاتی پرداخته است، سبزعلیپور (۱۳۸۸) نیز ساخت فعل در تاتی، تالشی و گیلکی را به‌صورتِ تطبیقی بررسی کرده است.

در این قسمت برای آشنایی با شناسه‌های فعلی در دوره‌های مختلف و بررسی تاریخی آنها، نخست شناسه‌های دورهٔ باستان و میانه، و سپس شناسه‌های دورهٔ نو معرفی می‌شوند. در ادامه نیز این شناسه‌ها با یکدیگر مقایسه خواهند شد.

## ۳- شناسه‌های فعلی در ایرانی دورهٔ باستان (اوستایی و فارسی باستان)

از زبان‌های ایرانی دورهٔ باستان، در این قسمت فقط شناسه‌های زبان‌های اوستایی و فارسی باستان برای نمونه ذکر می‌شود:

### ۱-۳- شناسه‌های فعلی در زبان اوستایی

در اوستایی، شناسه‌های اوّلیه برای ساخت زمان‌های حال و آینده (وجه اخباری و گاه التزامی) و شناسه‌های ثانویه، برای ساختن زمان گذشته (وجه اخباری، تمنّایی، گذشته ساده، و گاه التزامی) به کار می‌روند و فعل‌های امری و نقلی نیز شناسهٔ جداگانه‌ای دارند و همهٔ این شناسه‌ها دارای شکل گذرا و ناگذر هستند (برای آگاهی بیشتر، نک: Jackson, 2004: 127-130).

| شمار | شخص | اولیه | | ثانویه | | امری | | کامل | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | گذرا | ناگذر | گذرا | ناگذر | گذرا | ناگذر | گذرا | ناگذر |
| مفرد | ۱ | *-mi* | *-e* | *-m* | *-i, -a* | - | - | *-a* | *-e* |
| | ۲ | *-hi/(-ṣ̌i)* | *-(ŋ)he, -ṣ̌e* | *-s, -š* | *-(ŋ)ha/-ṣ̌a* | *- δi* | *-ŋuha, -ṣ̌vā* | *- θa* | |
| | ۳ | *-ti* | *-te* | *-?* | *-ta* | *-tu* | *-taᵢm* | *-a* | *-e* |
| مثنّی | ۱ | *-vahī* ک. | | *-va* | - | - | - | - | - |
| | ۲ | - | - | - | - | - | - | - | - |
| | ۳ | *-tō, - θō* | *-ā θe* | *-təm* | *-ātəm* | - | - | *-ataraᵊ* | *-aitē, -tē* ک. |
| جمع | ۱ | *-mahi* | *-maⁱde* | *-ma* | *-maⁱdī/e* | - | - | *-ma* | - |
| | ۲ | *- θa* | *- θwe* | *-ta* | *- δwəm* | *-ta, -nā* | *- δwəm* | *-a* | - |
| | ۳ | *-ṇti* | *-ṇte* | *-n* | *-ṇta* | *-ṇtu* | *-ṇtaᵢm* | *-araᵊ,-araᵊš* | - |

### ۲-۳- شناسه‌های زبان فارسی باستان

شناسه‌های فارسی باستان نیز همچنان‌که در جدول زیر آمده است به دو گروه **گذرا** و **ناگذر** تقسیم می‌شوند و هر کدام نیز دو شکل **اوّلیه** و **ثانویه** دارند. به‌عنوانِ‌مثال، شناسه‌های اوّلیه برای ساخت فعل‌های مضارع اخباری و فعل‌های التزامی؛ و شناسه‌های ثانویه برای ساخت فعل‌های ماضی استمراری و فعل تمنّایی به کار می‌روند. فعل‌های امر نیز از شناسهٔ امری استفاده می‌کنند (برای آگاهی بیشتر، نک: kent, 1953: 74؛ مولایی، ۱۳۸۴: ۷۵).

| | | اولیه | | ثانویه | | امری | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | گذرا | ناگذر | گذرا | ناگذر | گذرا | ناگذر |
| مفرد | ۱ | *-(ā)miy/ -niy* | *-aiy/- naiy* | *-m* | *-iy* | - | - |
| | ۲ | *-hy* | *-haiy* | *-h* | *-šā* | *-diy* تمانیک *-ā* | *-šuvā* تمانیک *-uvā* |
| | ۳ | *-tiy* | *-taiy* | *-t* | *-tā* | *-tuv* | *-tām* |
| | ۳ | - | - | *-tam* | - | - | - |
| جمع | ۱ | *-mahy* | - | *-mā* | - | - | - |
| | ۲ | - | - | | - | *-tā* | - |
| | ۳ | *-ntiy* | - | *-n, -han, -šan,* | *-ntā* | *-ntuv* | - |

## ۴- شناسه‌های فعلی در ایرانی دورهٔ میانه

از زبان‌های ایرانی دورهٔ میانه، در این بخش شناسه‌های فعلی پارتی و فارسی میانه (پهلوی) به عنوان نمونه‌های دورهٔ میانه معرفی می‌شود:

### ۴-۱- شناسه‌های پارتی

در پارتی، فعل‌های ماضی لازم، از صفت مفعولی فعل اصلی و صیغه‌های مضارع اخباری فعل کمکی *-ah* «بودن» به دست می‌آیند، فعل‌های ماضی متعدّی از ضمیر شخصی استفاده می‌کنند. شناسه‌های فعل‌های دیگر در جدول زیر آمده است:

| | مضارع اخباری | مضارع التزامی | مضارع تمنّایی | امر |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | *-ām* | *-ān* | - | - |
| ۲ | *-ē(h)* | *-ā(h)* | *-ēndē(h)* | *ϕ* |
| ۳ | *-ēd* | *-ā(h)* | *-ēndē(h)* | - |
| ۴ | *-ām/-um* | *-ām* | - | - |
| ۵ | *-ēd* | *-ād* | - | *-ēd* |
| ۶ | *-ēnd* | *-ānd* | *-ēndē(h)* | - |

همچنان‌که از جدول پیداست، شناسه‌های سوم‌شخص مفرد و دوم‌شخص جمع مضارع اخباری؛ شناسهٔ دوم‌شخص مفرد و سوم‌شخص مفرد مضارع التزامی؛ و شناسه‌های دوم‌شخص مفرد و سوم‌شخص مفرد و جمع یکسان هستند، و این ویژگی‌ای است که در گویش‌ها و زبان‌های ایرانی مورد بررسی در این مقاله (نک: ادامهٔ مقاله، بند ۴-۷) بسیار چشمگیر است (برای شناسه‌های پارتی، نک: رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۸۵: ۱۲۹-۱۲۳). نمونه‌ای از صرف فعل پارتی از مصدر-*baw* (بودن، شدن) در جدول زیر آمده است:

| | مضارع اخباری | مضارع التزامی | مضارع تمنایی | وجه امری | ماضی ساده |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | *bawām* | *bawān* | - | - | *būd hēm* |
| ۲ | - | *bawāh* | - | - | *būd ay* |
| ۳ | *bawēd* | *bawā(h)* | *bawēndē(h)* | - | *būd* |
| ۴ | - | *bawām* | - | - | - |
| ۵ | *bawēd* | - | - | *bawēd* | *būd hēd* |
| ۶ | *bawēnd* | *bawānd* | - | - | *būd ahēnd* |

### ۲-۴- زبان فارسی میانه (پهلوی)

در فارسی میانه (پهلوی)، فعل‌های ماضی متعدّی و لازم، ساخت متفاوتی دارند؛ افعال متعدّی از ساخت ارگتیو برخوردارند. شناسه‌های فعل فارسی میانه در جدول زیر آمده است (برای شناسه‌های فارسی میانه، نک: آموزگار، ۱۳۸۲: ۷۴- ۷۹):

| | مضارع اخباری | مضارع التزامی | امر | ضمایر متصل شخصی | ضمایر منفصل شخصی |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | *-ēm/-om/-am* | *-ān* | - | *-m* | *man* |
| ۲ | *-ē(h)* | *-āy* | *ϕ* | *-t* | *tō* |
| ۳ | *-ēd* | *-ād* | - | *-š* | *ōy/awē* |
| ۴ | *-ēm/-am/-om* | *-ām* | - | *-mān* | *amā* |
| ۵ | *-ēd* | *-ād* | *-ēd* | *-tān* | *ašmā* |
| ۶ | *-ēnd /-and* | *-ānd* | - | *-šān* | *ōyšān* |

در جدول زیر مثال‌هایی از فعل‌های مضارع اخباری، مضارع التزامی، و دو شکل ماضی سادهٔ متعدّی پهلوی ذکر شده است:

| | مضارع اخباری (می‌بینم، ...) | مضارع التزامی (ببینم، ....) | ماضی ساده متعدی (دیدم، ... ) | |
|---|---|---|---|---|
| | | | با ضمایر شخصی منفصل | با ضمایر شخصی متصّل |
| ۱ | *wēn-ēm* | *wēn-ām* | *man dīd* | *-m dīd* |
| ۲ | *wēn-ē(h)* | *wēn-āy* | *tō dīd* | *-t dīd* |
| ۳ | *wēn-ēd* | *wēn-ād* | *ōy/ awē dīd* | *-š dīd* |
| ۴ | *wēn-ēm* | *wēn-ām* | *amā dīd* | *-mān dīd* |
| ۵ | *wēn-ēd* | *wēn-ād* | *ašmā dīd* | *-tān dīd* |
| ۶ | *wēn-ēnd* | *wēn-ānd* | *ōyšān dīd* | *-šān dīd* |

## ۵- شناسه‌های مختلف فعل در زبان‌های تاتی، هرزنی و تالشی

در این بخش به بررسی شناسه‌های فعل در زبان‌های هرزنی، تاتی، و تالشی می‌پردازیم. ابتدا به شناسه‌های فعلی **هرزنی** و **تاتی کلاسوری** در جدول زیر توجّه کنید:

### ۱-۵- شناسه‌های تاتی کلاسوری و هرزنی

| | تاتی کلاسوری | | | | هرزنی | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | دستهٔ اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم | دستهٔ چهارم | دستهٔ اوّل[۱] | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم |
| ۱ | *-(ν)m* | *-um* | *-(ν)m* | *-* | *-in* | *-en* | *-en* |
| ۲ | *-(ν)š* | *-uš* | *-i* | *ϕ* | *-i* | *-i* | *-e* |
| ۳ | *-Ø, -a* | *-u/-* | *-i* | *-* | *-a, -â* | *-ey* | *-an* |
| ۴ | *-mun* | *-umun* | *-âm* | | *-um* | *-om* | *-om* |
| ۵ | *-(ν)r* | *-uš* | *-(ν)r* | *-ân* | *-ur* | *-ot* | *-or* |
| ۶ | *-(ν)nd* | *-und* | *-(ν)nd* | *-* | *-ut* | *-or* | *-ot* |

[۱] این نام‌گذاری از نگارندهٔ مقاله است و صرفاً جهت بیان کردن تفاوت و تمایز دسته‌های مختلف شناسه‌های تاتی است.

### ۱-۱-۵- تاتی کلاسوری

در تاتی کلاسوری، شناسه‌های دستهٔ اوّل برای ساخت ماضی ساده، ماضی استمراری، مضارع اخباری؛ شناسه‌های دستهٔ دوم برای ساخت ماضی بعید؛ و شناسه‌های دسته سوم برای ساخت مضاع التزامی به کار می‌روند. شناسهٔ امر مفرد تاتی کلاسوری تهی، و شناسه‌ای که برای امر جمع به کار می‌رود، *ân-* است که با هیچ یک از شناسه‌های ذکرشده یکی نیست. در جدول زیر، فعل امر کلاسوری و نیز مثال‌هایی برای هر یک از شناسه‌های تاتی کلاسوری آمده‌است. باید توجّه داشت که تفاوت عمدهٔ این شناسه‌ها، در دوم‌شخص مفرد و جمع و نیز اوّل‌شخص جمع است.

| | ماضی ساده (برخاستم، ...) | مضارع اخباری (می‌بینم، ...) | ماضی بعید (نشسته بودم، ...) | مضارع التزامی (ایستاده باشم، ...) | فعل امر (بخواب، بخوابید) |
|---|---|---|---|---|---|
| | دستهٔ اوّل | دستهٔ اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم | دستهٔ چهارم |
| ۱ | *aešd-im* | *enim vinde* | *nešt-um* | *be-vendârd-em* | - |
| ۲ | *aešd-iš* | *eniš vinde* | *nešt-š* | *be-vendârd-i* | *be-het* |
| ۳ | *aešd-a* | *ava vinde* | *nešt-u* | *be-vendârd-i* | - |
| ۴ | *aešd-imun* | *enemun vinde* | *nešt-umun* | *be-vendârd-âm* | - |
| ۵ | *aešd-ir* | *avir vinde* | *nešt-uš* | *be-vendârd-ir* | *be-het-ân* |
| ۶ | *aešd-ind* | *avind vinde* | *nešt-und* | *be-vendârd-end* | - |

همان طور که گذشت، در تاتی کلاسوری شناسه‌ای که برای فعل امر به کار می‌رود، با شناسهٔ افعال مضارع متفاوت است؛ شناسهٔ امر مفرد، تهی و شناسهٔ امر جمع، *ân-* است. به‌بیان دقیق‌تر، کلاسوری شناسه‌ای ویژه برای فعل امر دارد، که یادآور شناسه‌های خاصّ فعل امر در ایرانی باستان است، این در حالی است که در گویش‌های ایرانی دیگر، شناسهٔ امر اغلب همان شناسهٔ فعل مضارع اخباری است.

### ۱-۱-۵- هرزنی

در هرزنی، سه دسته شناسه وجود دارد و ضمیر شخصی هم گاه در فعل لازم نقش شناسه را بازی می‌کند. در گونهٔ هرزنی از شناسه‌های دستهٔ اوّل برای ساخت فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی

لازم (فقط در اوّل‌شخص مفرد و دوم‌شخص مفرد)، ماضی استمراری، ماضی بعید، ماضی ابعد، مضارع شرطی، جواب مضارع شرطی، مستقبل و مستقبل مقدّم بر مستقبل و فعل امر و نهی؛ از شناسه‌های دسته دوم برای فعل‌های ماضی التزامی؛ و از شناسه‌های دستهٔ سوم برای فعل‌های مضارع اخباری و جواب ماضی شرطی لازم استفاده می‌شود. در زیر هر کدام از ساخت‌های هرزنی با مثال‌هایی آمده‌اند:

| | ماضی ساده (شدم، ...) | مضارع التزامی (بیایم، ... ) | مضارع عام نامعین (می‌روم،...) | ماضی نقلی (شده‌ام، ....) |
|---|---|---|---|---|
| | دستهٔ اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم | دستهٔ سوم |
| ۱ | *ber-in* | *boy-en* | *ba-šen-en* | *berama/ berninen* |
| ۲ | *ber-i* | *boy-i* | *ba-še* | *berara/ beri* |
| ۳ | *ber-a* | *boy-ey* | *ba-šan* | *beraya* |
| ۴ | *ber-um* | *boy-om* | *ba-šom* | *beramunâ* |
| ۵ | *ber-ur* | *boy-or* | *ba-šor* | *berarunâ* |
| ۶ | *ber-ut* | *boy-ot* | *ba-šot* | *berayna* |

در زبان هرزنی گویا یک فروپاشی در ساخت ارگتیو رخ داده‌است؛ یعنی فعل‌های ماضی متعدّی (به‌استثنای ماضی ساده و ماضی نقلی) به جای ضمایر، از شناسه استفاده می‌کنند. نکتهٔ قابل تأمّل دیگر این است که ماضی نقلی لازم هرزنی در «اوّل‌شخص مفرد» و «دوم‌شخص مفرد» اگر چه با ضمایر شخصی به‌کار می‌رود، اما همچنان ساختِ همراه با شناسه را که گویا اصلی به نظر می‌رسد، حفظ کرده است. در این زمینه مرتضوی به‌نقل از لازار نوشته است که «در نقلی نیز مثل ماضی ساده باید بین متعدّی و لازم در صرف اختلاف باشد» (مرتضوی، ۱۳۴۱ : ۷۰).

هنینگ نیز حالت فوق را متأثر از فعل‌های متعدّی می‌داند:

> مؤادی که در دسترس استاد هنینگ بوده حاکی از وجود اختلاف نبوده، ولی استاد هنینگ که توجّه به اساس مسئله داشته و دیده است که در ماضی نقلی افعال لازم و

متعدّی هر دو با یک نوع لاحقهٔ فعلی، یعنی لاحقه‌های فعل متعدّی، تقریباً مثل متعدّی در ماضی ساده صرف می‌شوند، آن را از باب تأثیر متعدّی در لازم دانسته است (مرتضوی، ۱۳۴۱: ۷۰؛ نیز نک: هنینگ، ۱۳۷۴: ۶۵).

### ۲-۵- شناسه‌های تاتی خلخال

در زیر شناسه‌های فعلی دو گونه از گونه‌های تاتی خلخال ذکر شده است:

| | | تاتی دروی | | | تاتی کجلی | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | دستهٔ اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم | دسته اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم |
| ۱ | | *-im* | *-(v)m* | *-âm* | *-im* | *-əm* | *-âm* |
| ۲ | | *-(i)š* | *-i* | *-âš* | *-ir* | *-i* | *-âr* |
| ۳ | مذکّر | *-(ə/e/ϕ)* | *-ə* | *-â* | *-e* | *-ə* | *-â* |
| | مؤنّث | - | - | - | *-â* | *-iya* | *-âya* |
| ۴ | | *-(i)mân* | *-am* | *-âmân* | *-imân* | *-âm* | *-âmân* |
| ۵ | | *-(i)rân* | *-a* | *-ârân* | *-irân* | *-â* | *-ârân* |
| ۶ | | *-(i)ndə* | *-undə* | *-ândə* | *-ində* | *-ən(də)* | *-ân(də)* |

#### ۱-۲-۵- دِرَوی

در تاتی دروی، سه دسته شناسه وجود دارد؛ شناسه‌های دستهٔ اوّل برای ساخت فعل‌های ماضی ساده، ماضی بعید، ماضی نقلی، ماضی استمراری، مضارع مستمر؛ شناسه‌های دستهٔ دوم برای ساخت فعل‌های مضارع اخباری، مضارع التزامی، ماضی التزامی و نیز فعل امر و نهی؛ و شناسه‌های دستهٔ سوم برای ساخت فعل مضارع تمنّایی به کار می‌روند. ضمایر متصّل غیرفاعلی نیز برای فعل‌های ماضی متعدّی گونهٔ دروی استفاده می‌شوند:

| | ماضی ساده (نشستم، ...) | مضارع اخباری (می‌نشینم، ....) | مضارع تمنایی (اگر بنشینم، ...) |
|---|---|---|---|
| | دستهٔ اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم |
| ۱ | *bə-nəšt-im* | *nəš-əm* | *bə-nəš-âm* |
| ۲ | *bə-nəšt-iš* | *nəš-i* | *bə-nəš-âš* |
| ۳ | *bə-nəšt* | *nəš-ə* | *bə-nəš-â* |
| ۴ | *bə-nəšt-imân* | *nəš-am* | *bə-nəš-âmân* |
| ۵ | *bə-nəšt-irân* | *nəš-a* | *bə-nəš-ârân* |
| ۶ | *bə-nəšt-ind* | *nəš-ənd* | *bə-nəš-ând* |

### ۲-۲-۵- تاتی کجلی

در تاتی کجلی سه دسته شناسه وجود دارد؛ شناسه‌های دستهٔ اوّل برای ساخت فعل‌های ماضی ساده، ماضی بعید، ماضی نقلی، ماضی استمراری، ماضی التزامی، و ماضی مستمر؛ شناسه‌های دستهٔ دوم برای ساخت فعل‌های مضارع اخباری، مضارع التزامی و مضارع مستمر و فعل‌های امر و نهی؛ و شناسه‌های دستهٔ سوم برای ساخت فعل‌های مضارع تمنّایی به کار می‌روند. ضمایر متصّل شخصی یا غیرفاعلی نیز در این دو گونه، همراه افعال ماضی متعدّی می‌آیند:

| | | ماضی ساده (نشستم، ...) | مضارع اخباری (می‌نشینم، ...) | مضارع تمنایی (بنشینم، ...) |
|---|---|---|---|---|
| | | دسته اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم |
| ۱ | | *nəšte-y-eme* | *mə-nəš-m* | *bə-nəš-âš* |
| ۲ | | *nəšte-y-re* | *mə-nəš-i* | *bə-nəš-âr* |
| ۳ | مذکّر | *nəšt(y)e* | *mə-nəš-ə* | *bə-nəš-â* |
| | مؤنث | *nəšt(ey)â* | *mə-nəš-iya* | *bə-nəš-âya* |
| ۴ | | *nəšta-y-emân* | *mə-nəš-âm* | *bə-nəš-âmân* |
| ۵ | | *nəšta-y-erân* | *mə-nəš-â* | *bə-nəš-ârân* |
| ۶ | | *nəšta-y-endə* | *mə-nəš-ənd(ə)* | *bə-nəš-ân(də)* |

تفاوت شناسه‌های دستهٔ اوّل و دستهٔ سوم دروی با کجلی در دوم‌شخص مفرد است؛ بدین صورت که در دروی شناسهٔ دوم‌شخص مفرد *š-* و در کجلی *r-* است. این تفاوت یکی از نشانه‌هایی است که با آن می‌توان بسیاری از گونه‌های تالشی و تاتی را از یکدیگر تمییز داد (برای نمونه، نک: سبزعلیپور، ۱۳۹۰).

### ۳-۵- شناسه‌های تالشی

در تالشی پره‌سری، سه دسته شناسه، و در تالشی سیاه‌مزگی، چهار دسته شناسه وجود دارد که در جدول زیر معرفی شده‌اند:

| | تالشی پره‌سری | | | تالشی سیاه‌مزگی | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | دستهٔ اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم | دستهٔ اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم | دستهٔ چهارم |
| ۱ | *-ima* | *-um* | *-âm* | *-im(a)* | *-im(â)* | *-m* | *-im* |
| ۲ | *-(i)š* | *-i* | *-âš* | *-iya* | *-iyâ* | *-i* | *-iš* |
| ۳ | *-(a)* | *-u* | *-â* | *-(a)* | *-(â)* | *ϕ* | *-i* |
| ۴ | *-(i)muna* | *-am* | *-âmun* | *-imun(a)* | *-imun(â)* | *-am* | *-imun* |
| ۵ | *-(i)runa* | *-a* | *-ârun* | *-in(a)* | *-in(â)* | *-an* | *-in* |
| ۶ | *-(i)na* | *-un* | *-ân* | *-in(a)* | *-in(â)* | *-an* | *-in* |

#### ۱-۳-۵- تالشی پره‌سری

در تالشی پره‌سری، سه دسته شناسه وجود دارد؛ شناسه‌های دستهٔ اوّل، برای فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی استمراری، ماضی مستمر، مضارع اخباری، مضارع مستمر؛ و شناسه‌های دستهٔ دوم، برای فعل‌های مضارع التزامی، ماضی التزامی و فعل امر و نهی؛ و شناسه‌های دستهٔ سوم، برای ساخت فعل مضارع تمنّایی به کار می‌روند. ضمایر متصّل غیرفاعلی در این گونهٔ زبانی برای ساخت فعل‌های متعدّی ماضی استفاده می‌شوند:

| | ماضی ساده (نشستم، ...) | ماضی التزامی ( نشسته باشم، ...) | مضارع تمنایی (بنشینم، ...) |
|---|---|---|---|
| | دستهٔ اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم |
| ۱ | *nəšt-im(a)* | *nəšta bə-bum* | *bə-nəš-âm* |
| ۲ | *nəšt-iš(a)* | *nəšta bə-bi* | *bə-nəš-âš* |
| ۳ | *nəšt-(a)* | *nəšta bə-bu* | *bə-nəš-â* |
| ۴ | *nəšt-imun(a)* | *nəšta bə-bam* | *bə-nəš-âmun* |
| ۵ | *nəšt-irun(a)* | *nəšta bə-ba* | *bə-nəš-ârun* |
| ۶ | *nəšt-in(a)* | *nəšta bə-bun* | *bə-nəš-ân* |

**۲-۳-۵- تالشی سیاه‌مزگی**

در تالش سیاه‌مزگی، چهار دسته شناسه وجود دارد؛ شناسه‌های دستهٔ اوّل، برای فعل‌های ماضی ساده و ماضی نقلی؛ شناسه‌های دستهٔ دوم، برای فعل‌های ماضی بعید؛ شناسه‌های دستهٔ سوم، برای ماضی التزامی، مضارع اخباری، مضارع التزامی و فعل‌های امر و نهی؛ و شناسه‌های دستهٔ چهارم، برای فعل‌های ماضی استمراری و ماضی مستمر به کار می‌روند. ضمایر متصّل غیرفاعلی نیز برای ساخت فعل‌های ماضی متعدّی، ماضی ساده و ماضی نقلی استفاده می‌شوند:

| | ماضی ساده (نشستم، ...) | ماضی بعید (نشسته بودم، ...) | ماضی استمراری (می‌نشستم، ...) | مضارع اخباری (برمی‌دارم، ...) |
|---|---|---|---|---|
| | دستهٔ اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم | دستهٔ چهارم |
| ۱ | *ništ-i-m(a)* | *ništa-mâ* | *niš-im* | *pi-ger-əm* |
| ۲ | *ništ-i-ya* | *ništa-yâ* | *niš-iš* | *pi-ger-i* |
| ۳ | *ništ-(a)* | *ništ-â* | *niš-i* | *pi-ger-ə* |
| ۴ | *ništ-imun(a)* | *ništa-munâ/mənu* | *niš-imun* | *pi-ger-am(nu)* |
| ۵ | *ništ-in(a)* | *ništa-ynâ* | *niš-in* | *pi-ger-an* |
| ۶ | *ništ-in(a)* | *ništa-ynâ* | *niš-in* | *pi-ger-ən* |

(دربارهٔ اشتراک شناسه‌های ۵ و ۶ (دوم‌شخص و سوم‌شخص جمع)، نک : ادامهٔ مقاله، بند ۷-۴).

### ۴-۵- شناسه‌های تاتی اطراف قزوین

در تاتی اطراف قزوین گونه‌های مختلفی وجود دارد که یارشاطر در اثر معروف خود (Yarshater, 1969) به بررسی آنها پرداخته است، در این قسمت، برای شناخت و مقایسهٔ بهتر شناسه‌های فعلی تاتی با تالشی و هرزنی، شناسه‌های گونه‌های شالی و اشتهاردی به‌عنوان‌نمونه ذکر می‌شوند:

| | | شالی | | | اشتهاردی | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | دستهٔ اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم | دستهٔ اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم |
| ۱ | | *-im* | *-öm* | *-öm* | *-im* | *-m* | *-em* |
| ۲ | | *-iš* | *-i* | *-âš* | *-iš(a)* | *-š* | *-eš* |
| ۳ | مذکّر | *ϕ* | *-e* | *-i* | *ϕ* | *-u* | *-a* |
| | مؤنّث | *-a* | *-e* | -- | *-a* | *-a* | *-a* |
| ۴ | | *-imōn* | *-ōm* | *-ōm* | *-imun* | *-mō* | *-un* |
| ۵ | | *-iōn* | *-â* | *-â* | *-išin* | *-ō* | *-ây* |
| ۶ | | *-end* | *-end* | *-ind* | *-end* | *-inda* | *-end* |

### ۱-۴-۵- شالی

در تاتی شالی، سه دسته شناسه وجود دارد؛ شناسه‌های دستهٔ اوّل، برای فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی استمراری، ماضی التزامی؛ شناسه‌های دستهٔ دوم، برای فعل‌های مضارع اخباری و فعل امر و نهی؛ و شناسه‌های دسته سوم، برای فعل‌های مضارع التزامی و مضارع تمنّایی به‌کار می‌روند. در این گونهٔ زبانی نیز ضمایر متصّل غیرفاعلی با فعل‌های متعدّی ماضی می‌آیند:

| | | ماضی ساده (دویدم، ...) | مضارع اخباری (می‌آیم، ....) | مضارع تمنایی (اگر بروم، ...) |
|---|---|---|---|---|
| | | دستهٔ اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم |
| ۱ | | *be-ttajas-im(a)* | *m-ō-m(a)* | *b-āšin-öm* |
| ۲ | | *be-ttajas-iš(a)* | *mē* | *bāšināš* |
| ۳ | مذکّر | *be-ttajas* | *ma* | *bāšini* |
| | مؤنّث | *be-ttajása* | -- | -- |
| ۴ | | *be-ttajas-imōn(n)* | *māyōm* | *b-āšin-ōm* |
| ۵ | | *be-ttajas-iō(n)* | *māyā* | *bāšinā* |
| ۶ | | *be-ttajas-end(a)* | *mend(a)* | *bāšinend* |

### ۲-۴-۵ اشتهاردی

در تاتی اشتهاردی، سه دسته شناسه وجود دارد؛ شناسه‌های دستهٔ اوّل، برای فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی استمراری؛ شناسه‌های دستهٔ دوم، برای فعل‌های ماضی بعید، ماضی التزامی؛ و شناسه‌های دسته سوم، برای فعل‌های مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع تمنّایی و فعل امر و نهی به کار می‌روند. در این گونه نیز همانند دیگر گونه‌های تاتی، ضمایر متصّل غیرفاعلی همراه فعل‌های متعدّی ماضی می‌آیند:

| | ماضی ساده (بجستم، ...) | ماضی بعید (می‌روم، ...) | مضارع اخباری (می‌دوم، ...) |
|---|---|---|---|
| | دستهٔ اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم |
| ۱ | *buašt-im* | *buáš(t) beym* | *mi-vaz-em(a)* |
| ۲ | *buašt-iš(a)* | *buáš(t) beyš* | *mi-vaz-iš(a)* |
| ۳ مذکّر | *buašt* | *buáš(t) bu* | *mi-vaz-a* |
| ۳ مؤنث | *buášt-a* | *buáša bia* | --- |
| ۴ | *buašt-imun* | *buáš(t) beymun* | *mi-vaz-un* |
| ۵ | *buašt-išin* | *buáš(t) beymō* | *mi-vaz-āy* |
| ۶ | *buašt-end(a)* | *buáš(t) beyinda* | *mi-vaz-end(a)* |

### ۶- مقایسهٔ شناسه‌های زبان‌های مورد مطالعه با شناسه‌های زبان‌های دورهٔ باستان:

زبان‌های ایرانی از آغاز تاکنون شناسه‌دار و به‌نوعی پُرشناسه هم بوده‌اند؛ به‌عبارتِ‌دیگر، شناسه بخش جدایی‌ناپذیر فعل در زبان‌های ایرانی است. از نظر مطالعهٔ درزمانی یا تاریخی، بعضی از ویژگی‌های شناسه در زبان‌های ایرانی نو، شبیه ویژگی‌های شناسه در دورهٔ باستان است، که در ادامه به برخی از این شباهت‌ها اشاره می‌شود.

۱-۶. شناسهٔ فعل‌های مضارع و ماضی زبان‌های مورد مطالعه در این پژوهش، همانند شناسه‌های زبان‌های اوستایی و فارسی باستان، با هم متفاوت‌اند؛ یعنی برای فعل‌های ماضی یک دسته شناسه، و برای فعل‌های مضارع، دسته‌ای دیگر از شناسه‌ها به کار می‌رود.

۲-۶. شناسهٔ فعل امر در ایرانی باستان مستقل است؛ در زبان تاتی کلاسوری نیز شناسه‌ای

که برای امر به کار می‌رود، با شناسه‌های مضارع و ماضی متفاوت است (نک: بند ۵-۱-۱).

۶-۳. برای فعل‌های مختلف ایرانی باستان، شناسه‌های مختلفی به کار می‌رفته است؛ به‌بیانِ‌دیگر، در ایرانی باستان تنوّع شناسه وجود داشته است. در دورهٔ نو نیز در زبان‌های مورد بحث، با تنوّع شناسه روبه‌رو هستیم؛ مثلاً در تالشی سیاه‌مزگی چهار دسته شناسه به کار می‌رود. این در حالی است که در این گونهٔ زبانی برای افعال ماضی متعدّی نیز از ضمایر استفاده می‌شود؛ یعنی با احتساب ضمایر به‌عنوان نوعی شناسه یا شناسندهٔ فعل‌های ماضی متعدّی، در تالشی سیاه‌مزگی پنج دسته شناسه یا لاحقهٔ فعلی وجود دارد.

۶-۴. در شناسهٔ اوّلیه، ثانویه و امری زبان اوستایی در دوم‌شخص مفرد، نوعی *š*– به چشم می‌خورد، امروز نیز در زبان‌های تاتی و تالشی، شناسهٔ *š*- در گونه‌های دروی، پره‌سری، کلاسوری، شالی، و اشتهاردی به کار می‌رود که همین ویژگی، گونه‌های مذکور را از دیگر گونه‌ها متمایز می‌کند.

۶-۵. شناسهٔ *m*- یکی از شناسه‌های غالب برای اوّل‌شخص مفرد در دورهٔ ایرانی باستان است و در زبان‌های تاتی، تالشی و هرزنی نیز همین ویژگی وجود دارد.

۶-۶. در سوم‌شخص جمع، همانند زبان فارسی نو، شکل غالب شناسه‌ای که به کار می‌رود *nd*- است که با شناسه‌های دورهٔ باستان قابل مقایسه است.

۶-۷. در بین شناسه‌های زبان‌های موردمطالعه، شناسه‌ای وجود دارد که در دیگر زبان‌ها و گونه‌ها دیده نمی‌شود، و آن شناسهٔ سوم‌شخص جمع در هرزنی یعنی *ut*- است. در بدو امر به نظر می‌رسد که بتوان ردّپای این شناسه را در اوستایی و فارسی باستان، یعنی *ṇtu*- و *ṇta*– اوستایی و *nutv*- فارسی باستان یافت، امّا با کمی دقّت مشخص می‌شود که *ut*- هرزنی ارتباطی با شناسه‌های مزبور ندارد. به‌هرروی، در زبان‌های تاتی، تالشی و هرزنی شناسه‌هایی هستند که نمی‌توان به‌راحتی آنها را با زبان‌های دورهٔ میانه (پارتی و پهلوی) و دورهٔ باستان مقایسه کرد.

## ۷- مقایسهٔ شناسه‌های زبان‌های موردمطالعه با شناسه‌های زبان‌های دورهٔ میانه:

بعضی از ویژگی‌های شناسه‌های دورهٔ میانه پارتی و پهلوی در تاتی، تالشی و هرزنی وجود دارد، که به چند مورد آنها اشاره می‌شود:

۷-۱. تاتی، تالشی و هرزنی، همانند پارتی و پهلوی برای ماضی و مضارع شناسه‌های جداگانه دارند.

۷-۲. در این زبان‌ها، همانند پارتی و پهلوی برای فعل‌های ماضی متعدّی از ضمایر شخصی

استفاده می‌شود.

۷-۳. شناسه‌ای ویژه‌ای که برای فعل‌های تمتایی زبان‌های تاتی، تالشی به کار می‌رود، به‌نوعی می‌تواند همان شناسهٔ التزامی زبان‌های پارتی و پهلوی باشد. درجدول زیر، شناسه‌های زبان‌های موردمقایسه آمده‌اند:

| پارتی | پهلوی | تاتی | تالشی |
|---|---|---|---|
| *-ān* | *-ān* | *-âm* | *-âm* |
| *-ā(h* | *-āy* | *-âš* | *-âš* |
| *-ā(h)* | *-ād* | *-â* | *-â* |
| *-ām* | *-ām* | *-âmân* | *-âmun* |
| *-ād* | *-ād* | *-ârân* | *-ârun* |
| *-ānd* | *-ānd* | *-ând* | *-ân* |

۷-۴. همانند زبان‌های پارتی و پهلوی، در زبان‌های موردمطالعه نیز گاه شناسه‌هایی یافت می‌شود که برای چند شخص به کار می‌روند؛ به‌عنوان‌نمونه، در پارتی و پهلوی *-ēd* هم شناسهٔ سوم‌شخص مفرد است و هم شناسهٔ دوم‌شخص جمع؛ *-āh* نیز، هم شناسهٔ دوم‌شخص مفرد و هم شناسهٔ سوم‌شخص مفرد است. *-ād* هم در پهلوی، هم شناسهٔ سوم‌شخص مفرد و هم شناسهٔ دوم‌شخص جمع است. در تالشی سیاه‌مزگی نیز شناسهٔ دوم‌شخص جمع و شناسهٔ سوم‌شخص جمع در همهٔ انواع شناسه‌ها یکسان است[1].

در جدول زیر، خلاصه‌ای از شناسه‌های همانند آمده است:

| شخص و شمار | پارتی | | پهلوی | | تالشی | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | اخباری | التزامی | اخباری | التزامی | دستهٔ اوّل | دستهٔ دوم | دستهٔ سوم | دستهٔ چهارم |
| دوم‌شخص مفرد | | *-ā(h)* | | | | | | |
| سوم‌شخص مفرد | *-ēd* | *-ā(h)* | *-ēd* | *-ād* | | | | |
| دوم‌شخص جمع | *-ēd* | | *-ēd* | *-ād* | *-in(a)* | *-in(â)* | *-an* | *-in* |
| سوم‌شخص جمع | | | | | *-in(a)* | *-in(â)* | *-an* | *-in* |

[1] در تالشی عنبرانی و گیلکی مرکزی نیز چنین حالتی به چشم می‌خورد (نک: سبزعلیپور، ۱۳۸۸).

به‌درستی نمی‌توان زمان رویداد چنین امری (یکسان شدن بعضی از شناسه‌ها) را مشخّص کرد، حتّی بااطمینان نمی‌توان گفت که شناسه‌های تالشی سیاه‌مزگی، همانند ضمیر دوم‌شخص مفرد و دوم‌شخص جمع زبان فارسی معاصر گفتاری[۱]، در حال یکی شدن هستند؛ چه چنین امری در پارتی و پهلوی هم اتفاق افتاده است.

۵-۷. در زبان‌های موردمطالعه همانند زبان‌های پارتی و پهلوی، شناسهٔ زمان حال سوم‌شخص مفرد تهی نیست، گرچه در این موارد، شناسه اغلب یک واکه است که همان واکه نیز تمایز ایجاد می‌کند (برای انواع شناسه‌های مضارع در زبان‌های تاتی خلخال و تالشی بررسی‌شده در این مقاله، نک: سبزعلیپور، ۱۳۸۸؛ ذیل هر کدام از ساخت‌های موردبحث).

## ۸- مقایسهٔ شناسهٔ زبان‌های تاتی، تالشی و هرزنی با یکدیگر

از مقایسهٔ شناسه‌های فعلی زبان‌های تاتی، تالشی و هرزنی با یکدیگر نتایج زیر دریافت می‌شود:

۸-۱. شناسهٔ اوّل‌شخص مفرد همهٔ گونه‌های بررسی‌شده، *m*(*v*)- است؛ یعنی پیش از *-m* می‌تواند واکه قرار بگیرد یا هیچ واجی ظاهر نشود.

۸-۲. ضمیر دوم‌شخص مفرد در این زبان‌ها یکی از نشانه‌های تمایز آنها از دیگر زبان‌ها است (یارشاطر، ۱۳۷۱: ۴۰۱)، به این صورت که در همهٔ آنها – به‌استثنای تاتی کجلی و هرزنی و چند ساخت سیاه‌مزگی- شناسهٔ دوم شخص مفرد، *-š-* و در موارد مستثنی‌شده، *r-* است، در سیاه‌مزگی هم فقط در دوم‌شخص مفرد ماضی استمراری و ماضی مستمر، شناسهٔ *š-* داریم. از نظر تاریخی، همچنان که گذشت (نک: بند ۶-۲)، شناسهٔ *š-* با شناسهٔ دوم‌شخص مفرد اوستایی قابل‌مقایسه است.

۸-۳. شناسهٔ سوم‌شخص مفرد، هیچ‌گونه صامتی ندارد؛ یعنی همیشه یک واکه در آخر مادهٔ فعل قرار می‌گیرد، این شناسه در مضارع اغلب تهی نیست، ولی گاه در ماضی تهی است.

۸-۴. شناسه‌های سوم‌شخص جمع در این زبان‌ها چند دسته است؛ یکی از شناسه‌های اوّل‌شخص جمع در اغلب گونه‌ها، *mân/-mun/-mon*– است که تا حدّی همانندند، دستهٔ دیگر عبارتند از: *-âm-/-ōm/am/-om/un* که شباهت و یکسانی آنها قابل توجّه است.

---

[۱] در زبان فارسی معاصر گفتاری، **شما**، هم برای اشاره به دوم‌شخص مفرد به‌کارمی‌رود و هم برای اشاره به دوم‌شخص جمع.

۸-۵. شناسهٔ دوم‌شخص جمع در زبان‌های بررسی‌شده، چندان یکسان نیست؛ این شناسه در تاتی دروی، کجلی، تالشی پره‌سری، و هرزنی *-run/-rân*، در هرزنی گاه *-ur*؛ و در سیاه‌مزگی *-in*؛ در تاتی کلاسوری *-r*؛ در تاتی شالی *-ion* ؛ و بالاخره در اشتهاردی *-išin* است.

۸-۶.شناسهٔ سوم‌شخص جمع این زبان‌ها اغلب مختوم به *-nd* ؛ و در سه گونهٔ تالشی *-in* ؛ و در هرزنی *-ut* است.

در یک نگاه کلّی، باید گفت شناسهٔ اوّل‌شخص مفرد در این زبان‌ها همان است که اغلب از گویش‌های ایرانی انتظار می‌رود و شناسهٔ اوّل‌شخص جمع را می‌توان همان صورت مفردِ جمع‌بسته‌شده با وند *-ân* دانست و صورت‌های دیگر *–mun* و *–mon* را نیز می‌توان صورتی دیگر از آن فرض کرد؛ یعنی:

| |
|---|
| شناسهٔ ) *-mân< -mun, mon* → (علامت جمع) *ân* + (اوّل‌شخص مفرد) *m-* (اوّل‌شخص جمع |

۸-۷. شناسهٔ دوم‌شخص مفرد (*-r*) میان‌واکه‌ای[1] را در بعضی از این زبان‌ها می‌توان صورت متحوّل شدهٔ *-t-* بین دو متحرّک دانست؛ به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت:

| |
|---|
| *-(v) t (v)-* → *-(v) r (v)-* |

یارشاطر هنگام بررسی زبان‌های آذری، تاتی و تالشی، به این نکته همچون یک ویژگی خاص اشاره کرده است:

> از قواعد خاص این زبان یکی تبدیل **تاء** اصلی میان دو حرکت به **راء** است، مانند : **–ر** برای ضمیر دوم شخص مفرد متصل به جای **–ت** (دلَر- دلت) و شرم = رفتم (از *-šut*) و آمریم = آمدم ( از *āmat*) و ژیر = زندگی (از *žit*، قس: *jyd*در پارتی مانوی) (یارشاطر، ۱۳۷۱: ۳۹۸).

[1] intervocalic

این قاعده در تاتی خلخال و اطراف قزوین وجود دارد، اما در تالشی گونه‌های بررسی‌شده دیده نمی‌شود، به جایش می‌توان ردّپایی از آن را در تالشی ماسالی و اسالمی یافت که در این صورت می‌توان شناسهٔ دوم‌شخص جمع (*-rân/-run*) را هم صورت جمع آن دانست. همین حالت درمورد ضمیر متصّل شخصی سوم‌شخص مفرد *-š* هم صادق است؛ یعنی در آنجا هم علامت جمع *-ân* به آن پیوسته است.

| |
|---|
| (شناسهٔ سوم‌شخص جمع) *-rân < run* → (علامت جمع) *ân* + (شناسهٔ سوم‌شخص مفرد) *-r* |
| (ضمیر غیرفاعلی سوم‌شخص جمع) *-šân* → (علامت جمع) *ân* + (ضمیر غیر فاعلی سوم‌شخص مفرد) *-š* |

۸-۸. از مقایسهٔ شناسه‌های فعلی تالشی، تاتی و هرزنی می‌توان فهمید که در گونه‌های بررسی‌شده، شناسه‌های فعلی کمترین شباهت را با بقیّه دارند و این امر به فرضیهٔ ارتباط تالشی و هرزنی لطمه وارد می‌کند. پیشتر نیز مرتضوی (۱۳۳۳: ۳۰۵) این فرضیه را که هرزنی‌ها همان تالش‌های مهاجر هستند، رد کرده بود، ولی هنینگ –چنان‌که گذشت– به ارتباط تالشی و هرزنی معتقد بود (نک: هنینگ، ۱۳۷۴: ۶۹). امّا دست‌کم از نظر شناسه‌های فعلی، گونه‌های تالشی شباهتی با هرزنی ندارند. به‌هرروی، شناخت بهتر ارتباط تاتی، تالشی و هرزنی نیازمند بررسی و مطالعهٔ بیشتری است.

۹-۸. در زبان هرزنی به جای استفاده از شناسه، در ماضی نقلی و ماضی سادهٔ لازم از ضمایر متصّل شخصی استفاده می‌شود. به نظر هنینگ (۱۳۷۴: ۶۵) و مرتضوی (۱۳۴۲: ۷۰)، این امر تحت‌تأثیر فعل‌های ماضی متعدّی است، در هرزنی فقط دو صیغهٔ ماضی نقلی دارای شناسه است، یا به‌عبارتِ‌دیگر، فقط دو شناسه از شناسه‌های ماضی نقلی کهن باقی مانده و بقیّه از بین رفته یا زیر نفوذ ضمایر شخصی به فراموشی سپرده شده‌اند.

## ۹- ضمایر متصّل غیرفاعلی

ضمایر متّصل غیرفاعلی در اغلب فعل‌های ماضی متعدّی این گویش‌ها به جای شناسه عمل می‌کنند؛ یعنی از ساخت ارگتیو برخوردارند. از آنجا که دربارهٔ این ساخت در تالشی (نک: رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۴)، تاتی خلخال (نک: رضایتی کیشه‌خاله/سبزعلیپور، ۱۳۸۶) و تاتی اطراف قزوین (راسخ‌مهند، ۱۳۸۸) پژوهش‌هایی انجام شده است، نگارنده از تکرار این مباحث خودداری می‌کند و علاقه‌مندان

را برای آگاهی بیشتر به پژوهش‌های مزبور ارجاع می‌دهد. تنها نکتهٔ شایان یادآوری این است که در این گویش‌ها، گاه نوعی از ضمایر شخصی، به دلایلی به شناسه تبدیل شده‌اند و نقش شناسه را بازی می‌کنند، نمونهٔ روشن چنین وضعیتی در تالشی سیاه‌مزگی است که در آن، دو ساخت ماضی ساده و ماضی نقلی به جای شناسه از ضمایر شخصی استفاده می‌کنند، یعنی از مجموع ویژگی‌های ارگتیو فقط این ویژگی را دارا هستند و از آنجایی که در این گونهٔ تالشی ضمایر شخصی متّصل در غیر از این ساخت اصلاً کاربردی ندارد (مثلاً در برابر**پایَت** می‌گویند: *əštə ling* **پای تو**، و در برابر**حرفهایش** می‌گویند: *ča lua* یعنی **حرف‌های او**)، این ضمایر را باید دیگر نوعی شناسه تلقّی کرد، چون هیچ کارکردی غیر از شناسهٔ فعلی ندارند، اما خود گویا یادگاری از ساخت ارگتیوی هستند که در آن فعل به جای فاعل از مفعول تبعیّت می‌کرد و فاعل، حالت غیرفاعلی و مفعول، حالت فاعلی داشت. امّا امروز از آن ویژگی‌ها چیزی غیر از این ضمایر بر جای نمانده است که می‌توان آنها را نیز دیگر نه ضمیر شخصی بلکه شناسه به‌شمار آورد.

در جدول زیر برای مقایسهٔ بهتر، پی‌بست‌های ضمیری یا ضمیر متّصل غیرفاعلی هشت گونهٔ زبانی گردآوری شده است:

| | | هرزنی | کلاسوری | دروی | کجلی | پرسری | سیاه مزگی | شالی | اشتهاردی |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | | *-ma,-mâ* | *-m* | *-(ə)* | *-(ə)m* | *-(ə)m* | *-(ə)m* | *-m* | *-m* |
| ۲ | | *-la, -lâ, -ra, -râ* | *-r* | *-(ə)r* | *-(ə)r* | *-(ə)r* | *-(ə)y* | *-i* | *-i* |
| ۳ | **مذکّر** | *-ja, -jâ* | *-š* | *-(ə)š* | *-(ə)š* | *-(ə)š* | *-(ə)š* | *-š* | *-š* |
| | **مؤنّث** | - | - | - | *-šâ* | - | - | - | - |
| ۴ | | *-munâ* | *-mun* | *-(ə)mân* | *-(ə)mân* | *-(ə)mun* | *-(ə)mun* | *-mō(n)* | *-mun* |
| ۵ | | *-lunâ* | *-run* | *-(ə)rân* | *-(ə)rân* | *-(ə)run* | *-(ə)n* | *-yō(n)* | *-yun* |
| ۶ | | *-junâ/,-ynâ* | *-čun* | *-(ə)šân* | *-(ə)šân* | *-(ə)šun* | *-(ə)šun* | *-šō(n)* | *-šun* |

در ادامه برای هریک از پی‌بست‌های ضمیری، مثالی از فعل‌های ماضی متعدّی تاتی، تالشی و هرزنی ذکر شده است:

**۹-۱- نمونهٔ فعل‌های ماضی متعدّی هرزنی، تاتی خلخال و کلاسور**

| | هرزنی | کلاسوری | دروی | کجلی |
|---|---|---|---|---|
| | ماضی نقلی (بستەام، ....) | ماضی ساده (گرفتم، ... ) | ماضی بعید (برده بودم، ...) | ماضی ساده (گرفتم، ...) |
| ۱ | *bəsdâ-m-a /mâ* | *qâret-m-a* | *barda-m bə* | *ara-gat-əm* |
| ۲ | *bəsdâ-r-a/râ* | *qâret-r-a* | *barda-r bə* | *ara-gat-ər* |
| ۳ مذکّر | *bəsdâ-y-a* | *qâret-a* | *barda-š bə* | *ara-gat-əš* |
| ۳ مؤنّث | -- | -- | -- | *ara-gat-əš-â* |
| ۴ | *bəsdâ-mun-â* | *qâret-mun-a* | *barda-mân bə* | *ara-gat-əmân* |
| ۵ | *bəsdâ-run-â* | *qâret-run-a* | *barda-šân bə* | *ara-gat-ərân* |
| ۶ | *bəsdâ-yn-â* | *qâret-čun-a* | *barda-šân bə* | *ara-gat-əšân* |

**۹-۲- نمونهٔ فعل‌های ماضی متعدّی تالشی و تاتی اطراف قزوین**

| پرەسری | سیاەمزگی | شالی | اشتهاردی |
|---|---|---|---|
| ماضی ساده (برداشتم، ...) | ماضی ساده (برداشتم، ...) | ماضی ساده (دیدم، ...) | ماضی نقلی (خوردەام، ... ) |
| *pe-gat-əm(a)* | *pi-get-əm(a)* | *bind-em* | *be-xārd-em* |
| *pe-gat-ər(a)* | *pi-get-iy(a)* | *bind-i* | *be-xārd-i* |
| *pe-gat-əš(a)* | *pi-get-əš(a)* | *bind-eš* | *be-xārd-eš* |
| *pe-gat-əmun(a)* | *pi-get-əmun(a)* | *bind-ēmō* | *be-xārd-emun* |
| *pe-gat-ərun(a)* | *pi-get-ən(a)* | *bind-eyō* | *be-xārd-iun* |
| *pe-gat-əšun(a)* | *pi-get-əšušn(a)* | *bind-ešō* | *be-xārd-ešun* |

## ۱۰. نتیجه

تعداد و پراکندگی زبان‌های ایرانی نو بسیار زیاد است و از دورهٔ میانه و باستان این زبان‌ها اطلّاعاتی در دست نیست. برای شناخت بهتر این زبان‌ها و توصیف دقیق ارتباط آنها باید در گام نخست،

توصیف و در گام بعدی تحلیل درستی از مواد زبانی آنها به دست داد. نگارنده در پژوهش حاضر کوشید تا در بخش نخست، توصیفی از شناسه‌های فعلی زبان‌های تاتی، تالشی و هرزنی عرضه نماید و در بخش بعدی مقاله، آنها را با یکدیگر و با زبان‌های ایرانی دورهٔ میانه و باستان مقایسه کند.

از مقایسهٔ شناسه‌های فعلی زبان‌های مذکور با شناسه‌های ایرانی دورهٔ باستان آشکار شد که شناسه‌های دورهٔ نو همانند دورهٔ باستان دسته‌ای برای ماضی و دسته‌ای برای مضارع به کار می‌روند و تنوّع شناسه در این زبان‌ها زیاد است. از طرفی تفاوتی بین شناسهٔ متعدّی و لازم در دورهٔ باستان وجود ندارد، ولی در دورهٔ بعدی این تفاوت ایجاد شده است. تاتی کلاسوری شناسه‌ای ویژه برای فعل امر دارد، که یادآور شناسهٔ امر ایرانی باستان است.

از مقایسه شناسه‌های دورهٔ نو با شناسه‌های پارتی و پهلوی به عنوان نمایندگانی از دورهٔ میانه، چنین برمی‌آید که گاه شناسه‌هایی در این زبان‌ها یافت می‌شوند که برای دو صیغه یکسان به کار می‌روند. شناسه‌های التزامی پارتی و پهلوی که همراه *ā-* به کار می‌روند در بسیاری از این زبان‌ها یافت می‌شوند و شناسه یا لاحقه‌ای که برای فعل لازم به کار می‌رود در مورد فعل متعدّی کاربردی ندارد.

از مقایسهٔ شناسه‌های تاتی، تالشی و هرزنی می‌توان دریافت که تاتی خلخال، تالشی، تاتی کلاسور و تاتی اطراف قزوین به‌نوعی شناسه‌هایی مشترک با هم دارند ولی شناسه‌های هرزنی تفاوت بیشتری با بقیّه دارد. تفاوت عمدهٔ شناسهٔ این زبان‌ها در دوم‌شخص مفرد است و تفاوت دسته‌های مختلف شناسه‌های این زبان‌ها گاه فقط در یک صیغه است. در این زبان‌ها گاه ضمایر متّصل غیرفاعلی به شناسهٔ فعل متعدّی بدل شده‌اند (مانند سیاه‌مزگی) و گاه (مانند هرزنی در فعل ماضی نقلی و ماضی ساده) به جای شناسه‌ها از ضمایر متّصل در افعال لازم استفاده می‌شود که هر دو مورد نشانه‌هایی از فروپاشی ساخت‌های کهن را به همراه دارند.

## کتابنامه

آقاعلیخانی، علی‌محمّد (۱۳۸۳)، *جستاری در زبان و ادبیات تاتی به پیوست مونوگرای روستای خیارج*، [بی‌جا]: رامند.

آموزگار، ژاله/ تفضّلی، احمد (۱۳۸۲)، *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*، تهران: معین.

اصغری، احمد (۱۳۸۵)، «فعل در گویش تاتی کلاسور (*kalāsur*)»، *نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تبریز*، س۴۹، شمـ ۱۹۸ (بهار): ۱- ۲۵.

ـــــــــــ (۱۳۸۷)، «اسم و فعل در گویش تاتی کلاسور (*kalāsur*)»، نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تبریز، س۴۹، شمـ ۲۰۷ (بهار و تابستان): ۱- ۲۱.

راسخ مهند، محمّد (۱۳۸۸)، «نگاهی ردهشناختی به پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، س ۱، شمـ ۱: ۱- ۱۰.

رضایتی کیشه‌خاله، محرّم (۱۳۸۴)، «ارگتیو در گویش تالش»، *زبان‌شناسی*، س۲۰، شمـ ۱ :۱۱۳- ۱۲۶.

ـــــــــــ (۱۳۸۶)، *زبان تالشی (توصیف گویش مرکزی)*، رشت: فرهنگ ایلیا.

رضایتی کیشه‌خاله، محرّم/ سبزعلیپور، جهاندوست (۱۳۸۶)، «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال»، *ادب‌پژوهی*، س ۱، شمـ ۱: ۸۹- ۱۰۵.

رضایی باغ‌بیدی، حسن (۱۳۸۵)، *راهنمای زبان پارتی*، تهران: ققنوس.

سبزعلیپور، جهاندوست (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی (خلخال)، تالشی و گیلکی»، رسالهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی: دانشگاه گیلان.

ـــــــــــ (۱۳۸۹)، «نشانه‌های تالشی در مناطق تات‌زبان خلخال»، *ادب‌پژوهی*، شمـ ۱۳: ۱۰۹-۱۳۰.

ـــــــــــ (۱۳۹۰)، «پیرامون تاتی کلاسور»، *زبان و ادب فارسی (نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز)*، س ۵۴، شمـ ۲۲۳: ۸۹- ۱۱۳.

کسروی تبریزی، احمد (۱۳۷۸)، *زبان پاک/ آذری، زبان باستان آذربایگان/ نام شهرها و دیه‌های ایران*، به کوشش عزیزالله علیزاده، تهران: فردوس.

مرتضوی، منوچهر (۱۳۳۳)، «چند نکته در زبان هرزنی»، *نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، شمـ ۳۰: ۳۰۴- ۳۱۴.

ـــــــــــ (۱۳۴۱)، «فعل در زبان هرزنی»، *نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، شمـ ۶۳: ۵۴۳- ۵۸۸.

ـــــــــــ (۱۳۴۲)، «فعل در زبان هرزنی»، *نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، شمـ ۶۴: ۶۱- ۹۷.

مولایی، چنگیز ( ۱۳۸۴)، *راهنمای زبان فارسی باستان (دستور زبان، گزیدهٔ متون، واژه‌نامه)*، تهران: مهرنامگ.

هنینگ، و. (۱۳۸۵)، «زبان کهن آذربایجان»، ترجمهٔ حسن سرکاراتی، *نامهٔ فرهنگستان*، س ۱، شمـ ۱: ۳۱۵-۳۴۰.

یارشاطر، احسان (۱۳۳۶)، «زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شمـ۲: ۱۱- ۴۸.

ـــــــــــ (۱۳۷۱)، «آذری»، *زبان فارسی در آذربایجان* (۲ج)، گردآوری ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات افشار.

Jackson, A. V. W. (1892), *Avesta Grammar and Reader*, With an Introduction in Persian by Hassan Rezai Baghbidi., Tehran: Asatir

Kent, R. G. (1953), *Old Persian*, New Haven.

Yarshater, E. (1960), «The Dialect of Shāhrud (Khalkhal)», *BSOAS*, 22: 52-68.

———— (1969), *A Grammar of Southern Tati Dialects*, Paris.

## Verbal Ending in *Tātī*, *Harzanī*, and *Tāleshī*

*Jahandust Sabzalipour*
*Islamic Azad University, Rasht*

***Abstract***

One of the essential parts of the verb is the verbal ending. Iranian languages, such as Avestan and Old Persian, have two verbal endings: primary and secondary. Like Middle and Old Iranian languages, verbal endings in modern Iranian languages, especially *Tātī*, *Harzanī*, and *Tāleshī*, use several endings. The study of verbal ending in a language, helps to better understand its origins. This article, firstly, focuses on types of verbal endings in *Tātī*, *Harzanī*, and *Tāleshī*, three languages belonging to the western branch of New Iranian languages. Verbal endings in *Tātī*, *Tāleshī*, and *Harzanī*, are similar to Avestan and Old Persian. For example, the imperative in *Kalāsūrī* (a *Tātī* dialect) has a specific ending similar to the imperative ending in Old Iranian languages. This article also addresses the formation of past transitive verbs in these languages, called ergative construction. In this construction verbal endings are the objective personal pronouns.

***Keywords:*** *Verbal Ending, Pronominal Enclitics, Tātī, Harzanī, Tāleshī*